ادراک احاطی در وهم و ادراک فنائی در عقل

پس در اینجا مقصود از «وهم» چیست؟؛ همیشه «وهم» احاطه می‌خواهد. امام علیه‌السلام از تناسب حکم و موضوع فرموده‌اند که در جاهای دیگر هم می‌بینید. چرا وقتی اسم خداوند متعال را می‌برند، وهم احکام ناجوری می‌آورد؟ اصلاً کار وهم به احاطه عادت کرده است؛ شانی از روح است که می‌خواهد احاطه پیدا کند. چرا وهم ما از مکان یک شیء سؤال می‌کند؟؛ چون وقتی سراغ مکان آن می‌رود، از موضع ادراک احاطی کاملاً آن را به چنگ می‌آورد. وقتی هم خداوند می‌گوییم، می‌خواهد جای خداوند را پیدا کند و او را به چنگ بیاورد. به خلاف عقل صحیح که وهم نباشد. عقل صحیح که عقل اولیای خداوند است، به جای احاطه، به‌دنبال فنای نفس الامری است. مقصودم از فناء، اصطلاحات سلوکی نیست. آنها یک فضای دیگری دارد. فنائی که اهل سلوک می‌گویند، فضای خودش را دارد. مقصود بنده، آن نیست. این فنائی که عرض می‌کنم، از روز اولی که طفل در قنداقش رشد می‌کند، برایش مطرح است. این فناء، برای هر کسی است. بعداً هم می‌بینید چنین فنائی برای همه هست: «يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»[1]؛ یک سلوکی است، ورای سلوک رحیمیه و اختیاریه. ما با آن کاری نداریم. فضای بحث ما یک سلوک تکوینی است؛ «وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ»[2]؛ علی أیّ حال شبیه آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»[3] است که به انسان خطاب می‌کند، نه به‌خصوص مؤمنین. ملاقاتی که با خداوند متعال دارند، همه خلائق دارند.

---

[1]. الانشقاق، آیه ۶.

[2]. التغابن، آیه ۳.

[3]. الانشقاق، آیه ۶.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 ژانویه 2025 15:35:04 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 ژانویه 2025 15:35:37 توسط ... .